payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۶۲۲
یکشنبه/ ۱۸ خرداد/ ۱۳۹۹
/۱۵ شوال/ ۱۴۴۱
07 / June/ 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگانان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کریمخان زند تهران، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۳۸۸-۳۲۵۳۴۴۳۳-۰۲۶-۳۲۵۵۳۸۳۸ فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید
۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

هجران

بیدارم هر شب تا سحر، از شوق وصلت یار من
امشب بیا ای تازتین، بگشا گره از کار من

اینک که از هجران تو، افتاده ام در خاک غم
یکدم به یادیتم بیا ای مونس و غمخوار من

با دیده ام ای جان بیا، بر گیرم از بابت غبار
خاک رهت مرهم شود، بر دیده بیمار من

بی چهره ات محزونم و چشمم به راهت بی قرار
بازا که غم بیرون شود، از سینه ی تبدار من

آمد به آخر تاب من، بی تو چگونه سر کنم
بتشین ز لطفی در برم، ای همدم و دلدار من

در خانه احساس من، پیچد شمیم عشق تو
اندیشه دیدار تو، بیاتیرین بتدار من

از بند حسرت ای صنم، با یوننت گردم «رها»
گلواژه ی شعرم تویی، ای رونق افکار من

بهروز قاسمی(رها)

یادداشت

ادبیات، غم و هجران این روزها را ثبت می کند

تأثیر مخرب شیوع پاندمی کرونا آن‌هم در چنین سطح گسترده‌ای را می‌توان در قلمرو ادبیات نه از نظر کمی بلکه کیفی، با جنگ‌های جهانی مقایسه کرد که هنوز هم بعد از گذشت سال‌ها همچنان با ردپایی برنگ از آنها در تولید محصولات فرهنگی- هنری از جمله ادبیات و سینما روبه‌رو هستیم. نه تنها آثار پژوهشی که رمان‌ها و نقاش‌های بسیاری در رابطه با موضوعاتی همچون جنگ و صلح خلق می‌شوند و جرایی این مسأله به سیری شدن بخش صدمه‌ای از زندگی نوع بشر در رویارویی با دو مفهوم زندگی و مرگ است. همان چالش مهمی که شگسپیر از آن با عنوان بودن و نبودن یاد می‌کند در برابر کروناو خلاق جنگ‌های اشکار که می‌دانیم نیروی مقابل‌مان کیست و حتی چه توانایی‌هایی دارد، با جنگی پنهان روبه‌رو هستیم؛ جنگی بسیار مخفی‌تر از حتی مبارزات چریکی با آن حمله‌های ناگهانی‌شان. کرونا پارتیزانی است که نه مرز می‌شناسد و نه دیده می‌شود حتی زمان و محل حملاتش پیدا نیست و ما را با جنگی ناعادلانه و نابرابر روبه‌رو کرده است. با این حال شباهت‌هایی هم به جنگ واقعی دارد؛ در جنگ‌های کلاسیک دشمن به‌دنبال ضعیف‌ترین حلقه نیروهای مقابل می‌رود تا از آن طریق وارد شود و ضربه بزند؛ درست شبیه اتفاقی که در مواجهه با این بیماری رخ‌داده و آن‌هایی که سن و سال بالا دارند یا مبتلا به بیماری زمینه‌ای هستند یا به‌واسطه شرایطی از جمله شیمی‌درمانی سیستم ایمنی ضعیف‌تری دارند اغلب طعمه‌های کرونا هستند.

در چنین شرایطی ادبیات یکی از ابزارهای مهم برای یادآوردن دلایل دچار شدن به چنین وضعیتی و از سویی هشدار به جلوگیری از تکرار موارد مشابه آن است؛ خوشبختانه در کشور ما هم چند سالی است که برخی نویسندگان متوجه ضرورت پرداختن به چنین موضوعاتی در آثار خود شده‌اند. گوشزد کردن بخشی از مازومات جهان امروز از جمله مسأله این روزها که همانا تلاش برای متوقف کردن زنجیره کروناست، یکی از کارکردهای ادبیات است. بخش مهمی از ادبیات از بحران‌های زندگی بشر و اتفاقات جهان صحبت می‌کند؛ از بحران‌های عاطفی گرفته تا مشکلات اجتماعی و حتی بین‌دستمایی که در سطوح مختلف ملی- جهانی بیش‌روی مردم قرار می‌گیرد.

حال و احوال این روزهایمان به‌هم‌رحال در ادبیات هم منعکس می‌شود؛ اینکه نمی‌توانیم به دیدن نزدیکان خود برویم یا حتی دست دادن که پیش‌تر یکی از بدیهی‌ترین راه‌های سلام و احوالپرسی بود، امروز به یکی از ممنوعه‌های توصیه‌های پزشکی تبدیل شده است. بی‌شک ادبیات، چه در قالب شعر و چه داستان و رمان از این هجران و غمی که بر ما گذشته سخن خواهد گفت و بخشی از تاریخ این چنین ثبت می‌شود. جلوه‌های دیگر این پاندمی، نظیر کسب اعتبار دوباره که نصیب جامعه پزشکی و کادر درمان همه کشورها شد هم بخشی از مخلوقات ادبی- هنری همه جهان را در بر خواهد گرفت. حتی نقد به عملکرد اشتباه‌استمدارانی هم از جمله این موارد است که منجر به تشدید هر چه بیشتر بیماری شد؛ همچون بی‌توجهی ترامپ که روزهای نخست این بیماری را به شوخی گرفته بود اما حالا مدتی است که دنبال مقصر می‌گردد. همه این موارد، جنبه‌های پیدا و پنهان گسترش این پاندمی نه فقط در ادبیات، بلکه در همه هنرها خود را نشان می‌دهد.

برای نخستین مرتبه کل جهان، باوجود قدرت‌های بزرگ حاکم بر آن، باوجود زرادخانه‌های اتمی و انواع آزمایشگاه‌های ثبق پیشرفته در برابر تنها یک ویروس گم آورده و با مشکلاتی چند لایه درگیر شده و اندیشمندانی همچون نوآم چامسکی و هاورمانس از این می‌گویند که شیوع این بیماری نشان داد که بشر امروز به‌رغم ادعاهای گزافه نابافته‌های بسیاری دارد و سرگشته است. این درس بزرگی است که خودآنها در ادبیات هم جلوگر خواهد شد؛ بنابراین شاید بتوان گفت که باید منتظر یک جهش و تغییر عجیب در همه بخش‌های ادبیات باشیم.

شهرام اقبال‌زاده
نویسنده و مترجم

یادداشت

پرواز را به خاطر نسپار!

مرتضی رویتوند

به سن جوانی که رسید می‌خواست پرواز کند اما تمی‌توانست. چند باری تلاش کرد اما نتوانست. کمی غصه خورد. تکانی به خودش داد اما پرواز نکرد.

با عزمی جزم بالای یک تخته‌سنگ رفت و خودش را پرتاب کرد. چندان محکم به زمین نخورد اما پروازی هم در کار نبود. با خانواده‌اش صحبت و آن‌ها را متقاعد کرد که به یک کلاس خصوصی گران‌قیمت پرواز برود. دوره کلاس را به طور کامل گذراند اما باز هم نتوانست پرواز کند.

با پیشنهاد پسرعمویش همه کتاب‌های موسسه پرمجیی را خرید. خیلی هم گران بود. دوره‌های این موسسه را هم گذراند اما نتوانست پرواز کند. در تلویزیون تبلیغ یک موسسه دیگر به نام «کاپ» را دید که در واقع مخفف گروه آموزشی پرواز بود. تصمیم گرفت که به کلاس‌های این موسسه هم برود.

یکسالی هم در این دوره بود اما نتوانست پرواز کند. دیگر داشت بی‌خیال پرواز می‌شد که تبلیغ دیگری در تلویزیون دید «کجـــا پرواز کنیم؟ پرواز کاران خوب چی؟ پرواز کاران خوب. کجا؟ پرواز کاران خوب»

در این دوره هم شرکت کرد اما این موسسه هم کارساز نبود. خاتوده‌اش به او گفتند که در کارهای دیگر اقرزی بگذارد اما او تصمیم گرفته بود پرواز کند.

به توصیه یکی از دوستانش از یک جادوگر معروف طلسمی گران‌قیمت خرید اما بعد چند ماه فهمید آن طلسم هم فایده‌ای نداشت. از گسردگی رو به اعتیاد آورد. بعد مدتی هم در یک کمپ اعتیاد اش را ترک کرد و باز هم پرواز نمی‌کرد.

دوسال هم به یک دانشگاه برود برای خارج از کشور رفت و وقتی فارغ‌التحصیل شد، هنوز نمی‌توانست حتی یک متر هم پرواز کند.

یک رژیم غذایی مخصوص پرواز را طی چند ماه گذراند اما باز هم پرواز نکرد که تکرد به یوگا مرماتی رو آورد و بـــا این که یوگا را خوب آموخته بود اما پرواز نیاموخت.

تا اینکه با حالی نزار نزد دوست قدیمی‌اش رفت که از کودکی او را خوب نداشـــت. شـــرح حالی از زندگی‌اش برای دوستش تعریف کرد و سرش را بر روی شانه دوستش گذاشت و ساعتی گریست. دوســـتش تلفنی به او کـــرد و با تعجب گفت: «قورباقه‌ها که پرواز نمی‌کنند!»

مقاله

کرونا؛ آزمون نهایی رهبران سازمان

پاندمی کرونا آزمونی حماسی از شخصیت و اراده میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا است. هیچ‌چیزی با فداکاری پرستلی که در خط مقدم بیمارستان‌ها و دیگر خدمات ضروری فعالیت می‌کنند قابل مقایسه نیست. در فضای کسب‌وکار، مدیران عامل مجبور شدند با خواسته‌های شگفت‌انگیزی دست و پنجه نرم کنند؛ برای آنها این پاندمی یک آزمون نهایی رهبری سازمانی بود.

در چند ماه گذشته موسسه مک‌کینزی با رهبران کســـب‌وکار سراســـر دنیا در مورد شیوه مقابله آنها با این بحران به‌صورت شـــخصی و حرفه‌ای گفت‌وگو کرده است. خیلی از آنها در مورد «خرد، عادت‌ها» روتین‌هـــا و روش‌هـــای روزمره کار کردن- که به کار گرفته‌اند تا بتوانند خودشـــان و شرکت‌هایشان را از این بحران عبور دهند، صحبت کردند. این فشارها ظاهرا درحال کم‌شدن است. خیلی از آنها می‌گویند که روبه‌رو شدن با تعطیلی ناگهانی اقتصاد جهانی به اندازه کافی ســـخت بود؛ حالا دریافتن اینکه چطور در چنین محیط نامطمئنی دوباره کار را شـــروع کنند سخت‌تر هم شده است. از مدیران انتظار می‌رود «آرامش ســـتجیده و خوش‌بینی چارچوب‌بندی شده» از خود نشان دهند. همه از آنها می‌خواهند در عین همدردی کردن، همزمان به‌شدت متعهد باشند و عملکردی مبتنی بر واقعیت داشته باشند.

انتظار می‌رود آنها با رهبری سازمانی خود تفاوتی مثبت در زندگـــی افراد ایجاد کنند و هم دیدگاه بلندمدت منسجم داشته باشند و هم راه‌حل‌های کوتاه‌مـــدت موثر آماده ارائه کننـــد. با این حال، هر چقدر هم این مدیران متخصص باشـــند، با ســـوال‌های تازه زیادی دست به گریبان شدند که شاید پاسخ مشخصی برای آن نداشته باشند. حتی وقتی چشم تیم‌ها برای هدایت مســـیر به آنها است، بحران کووید-۱۹، یک رویداد منحصربه‌فرد در قرن حاضر است و هیچ گونه آموزش یا تجربه‌ای در رکوردهای قبلی، مدیران عامل را برای آن آماده نکرده اســـت. برخی از آنهـــا از چالش‌های ایجاد شده قرنی گرفته‌اند و احساس تزئیکی بیشـــتری به تیم‌های خود می‌کنند. مدیرعامل یک شرکت خدمات مالی برجســـته می‌گوید: «حماس‌های شخصی ما خیلی بیشـــتر شده است.» برخی دیگر، یک قدم به عقب برگشته‌اند و شرکت و صنعت خود را بازبینی می‌کنند. با این حال، فرسودگی خیلی سریع غالب می‌شود. حجم کاری مدیران در شرایط رکود چند برابر می‌شود.

مراقبت از خود

به‌عنوان یک مدیرعامل انتظار می‌رود خودتان به همه بفاند. اما چه کسی حواسش به شما خواهد بود؟ خـــنگی ممکن است بر قضاوت شما سایه بیندازد و توانایی شـــما را برای پردازش اطلاعات تحت‌الشعاع قرار دهد. یکی از مدیران عاملی که مک‌کینزی با او گفت‌وگو کرده گفته: «بدن‌تان را نادیده نگیرید. همیشه هم شکست‌ناپذیر نیستید. مثل علامت‌های ایمنی که در هواپیمـــا به شـــما آموزش داده می‌شود، اول ماسک اکسیژن را روی صورت خودتان بگذارید سپس به بغل‌دستی خود کمک کنید این کار را انجام دهد.

● ذهن و بدن خود را دوباره سوخت‌گیری کنید زمانی برای کارهای روتین ساده روزانه که می‌تواند بنیه ذهنی و جســـمی شما را حفظ کند. اختصاص دهید با احســـاسات خودتان شروع کنید. مهم اســـت که همدردی خود را نشان دهید. اما خودتان هم نیاز دارید با شما همدردی شود. یک مدیرعامل مک‌کینزی گفته: «خوب است افعال کنید که گاهی اوقات احساس می‌کنید مستاصل هستید یا آمادگی این بحران را ندارید.»

در این پاندمی، رهبران کسب‌وکار گاهی احساس می‌کنند مثل «ســـیزیف» در اســـاطیر یونان، محکومند که تا ابد تخته ســـنگی را به دوش گرفته و تا قله کوه حمل کنند. آنها برای اجتناب از فرســـایش، باید از منابع تازه‌ای قرزی بگیرند. برجسته کارهای مصرفی می‌گوید: «همه ما به این نتیجه رسیدیم که سفر به دام بزرگی برای زمان است. احساس می‌کنم کنترل آرامش‌بخشی بر زمانم به‌دست آورده‌ام، چون کارهایم کمتر فرسایشی می‌شود و خستگی من کمتر شده است.»

غرق شدن در کنفرانس‌های ویدئویی یا ایمیل به سادگی اتفاق می‌افتد. برخی مدیران عامل گفته‌اند حجم ایمیل‌های آنها در طول بحران، بیش از دو برابر شده، چون کارکنان و دیگر ذی‌نفعان سازمان شخصا به آنها پیام می‌دهند. برخی مدیران برای مدیریت بهتر زمان خود طول جلســـات داخلی را به جای یک ســـاعت، به ۲۰ یا ۴۵ دقیقه کاهش دادند. همچنین بیشـــتر آنها تمایل دارند به جای ایمیل، گفت‌وگوی تلفنی داشـــته باشـــند. یک مدیرعامل به مک‌کینزی گفته: «در فضای فعلی فاصله گذاری فیزیکی، یک تلفن سریع می‌تواند اثربخش‌تر از ایمیل باشد.»

پیشتازی ماندن

استفاده از فرصت

وقتی این بحران تمام شود، همه پادشان می‌ماند که مدیران در طول پاندمی چه عملکردی داشـــتند. مدیـــران عامل برای قبول شـــدن در این آزمون ســـخت رهبری، بیشـــتر بر گفتار و رفتار خود متمرکز شدهاند.

● حکایت خود را تنظیم کنید. مدیران عامل وقتی تازه وارد این ســـمت می‌شوند، حکایتی در مورد دستورالعمل رهبری خود ایجاد می‌کنند. در بحران کووید-۱۹، این حکایت‌ها به روزرسانی می‌شوند تا به کارکنان، مشتریان و ذی‌نفعان سازمان کمک کنند رفتارهای متناقض داشـــته باشند. خیلی از مدیران، این روزها بیشـــتر در مورد هدف شرکت خود و ارزش‌هایی که به آن پایبند هســـتند، صحبت می‌کنند. یکی از آنها گفته: «وقتی یک شـــرکت مخابراتی هســـتید و شروع به تولید وتنیلاتور برای بیمارســـتان‌های محلی می‌کنید، هدف شرکت شـــما معنای جدیدی پیدا می‌کنـــد. این روزها خیلی بیشـــتر از قبل در مورد دلیل وجودی شـــرکت صحبت می‌کنم.»

مخاطب هم بزرگ‌تر شـــده اســـت. کووید-۱۹ سازمان‌ها را مـــطرح کرده و شدت ارتباطات را افزایش داده است. مدیران عامل ارتباط بیشـــتری با کارکنانی دارند که قبلا فقط سرپرســـت‌ها با آنها صحبت می‌کردند. مدیرعامل یک شـــرکت تجهیزات پزشکی می‌گوید: «همه ما وقتی خبرهای پریچالشی می‌شنویم، دوست داریم مدیران خط مقدم در مورد آن با شـــما گفت‌وگو کنند. چون آنها به طور مستقیم با کارکنان در ارتباط هســـتند. در ایـــن پاندمی، من جلســـات تصویری جهانی برگزار کردم و خود شخصا خبرهای خوب و بد را می‌دادم. به طور مستقیم از کارکنان تقدیر می‌کردم و لایه‌های مدیریتی را نادیده گرفتم.»

● اقدامات تمادین ایجاد کنیـــد. در یک بحران، اقدامات یک رهبر سازمانی، تحت نظارت و تفسیر شدید قرار می‌گیرد. مدیران عامل در طول پاندمی کرونـــا مجبور بودند در مـــورد ماهیت و ترتیب اقدامات خود، کاملا دست به عصا باشند تا سبک جدیـــدی از مدیریت و اولویت‌هـــای جدید را به تمایش بگذارند. در خیلی از شرکت‌ها که مسیر شفافی دارند تیم رهبری دائما به رویدادی اشاره می‌کند که تقریبا در یک وضعیت افســـانه‌ای رخ داده است- حتی اگر این رویداد مربوط به سال‌ها قبل باشد.

در بحـــران کوویـــد-۱۹، لحظـــات تمادیـــن و غافلگیر کننده‌بیشـــتری تمایل شد. چون شرکت‌ها تفـــش گســـترده‌تری در جامعه دارنـــد. برخی مدیران عامل، از دســـترده‌ای خود گفتند. برخی دیگر بخشـــی از حقوق و دارایی خود را به بنیادهایی بخشیدند که به طور مستقیم به مبارزه با کووید-۱۹ می‌پردازند.

● تیروها را بسیج کنید. تقریبا همه مدیران عاملی که با مک‌کینزی مصاحبه کرده‌اند، گفته‌اند تیم‌های آنها بیش از همیشه تفاوت ایجاد کردند. یکی از آنها گفته: «هر طول پاندمی، انسجام تیم شـــما مهم‌تر از هر چیزی است.» مدیران می‌گویند یاد گرفته‌اند از تیم‌های خود به شیوه‌های جدید تقدیر کنند- مثلا دیدن خانه و فرزندان آنها از طریق تماس تصویری. یکی از آنها هر جلسه تصویری را با خواندن یک متن تقدیر از دستاوردهای تیمش شروع می‌کند. این بحران همچنـــین اعضای تیم را برای مواجه شدن با ترس تحت فشار آماده‌تر می‌کند.

خیلی از مدیران حالا به جای هر دو هفته یک بار، چند بار در هفته با اعضای تیم خود از طریق تماس تصویری گفت‌وگو می‌کنند. تیم مدیریت جهانی یک شرکت بزرگ تولیدی، قبلا چهار بار در سال جلسه عمومی برگزار می‌کرد. حالا این جلســـات به بار هفته‌ای برگزار می‌شود. مکالمات شکل متفاوتی به خود گرفته و به گفته یک‌ی از مدیران «بیشـــتر به تصمیم‌های واقعی کســـب‌وکار متمرکز شده و دیگر از کلی‌گویی اجتناب می‌شـــود.» یک مدیر دیگر توصیف می‌کند که تا تصورات تجربه گرایان تجربه‌های تزدیک به مرگ شباهت دارد.

۲: مکانیســـم دفاعی روان‌شناختی: بلک مور این پدیده و خصوصاً بحث مرور زندگی را یک مکانیســـم دفاعی روانشناختی تعریف می‌کند.»

در کنار دلایل ذکر شـــده، دلایل متنوع‌تری از جمله «مشـــاهده انتظارات شخص» بیان شده است. البته برخی تیز یا تاکونی بسیار انتقادی، تجربه‌های تزدیک به مرگ را صرفاً توهم و یا حتی فریب تلم‌ها دانند.

البته باید توجه داشت که تحلیل‌های بالا عمدتاً از سوی اندیشمندان ماده‌باور، خواه ماده باوری علمی، ارائه شده و در یک تحلیل می‌شود این پدیده را خروج روح از بدن و ورود به عالمی غیر مادی تعریف نموده.

NDE اثباتی بر زندگانی پس از مرگ است؟

دکتر عباس گوهری در پژوهشی به بررسی میزان مطابقت تجربه‌های تزدیک به مرگ با آموزه‌های دینی پرداخته است. وی در این زمینه معتقد است که: «اکثر بزرگسالانی که تجربه‌های تزدیک مرگ را داشته‌اند خود به این باور رســـیده‌اند که مرده بودند. این تکته با مباحث موجود در آیات و روایات ما تطابق دارد و قابل پذیرش است.»

گوهری در ادامه تحقیق خود می‌گوید: «تزدیک به ۷۵ درصد از مؤمنین و ملحدین که تجربه‌های تزدیک به مرگ داشته‌اند، اذعان کرده‌اند که به حس غوطه ور شدن در عتق و آرامش مطلق رســـیده‌اند.» به تظر می‌رسد که این اطلاعات با مفاد آیات و روایـــات ما در خصوص تگرانی‌ها و التهابات مرگ مخصوصاً در تزد خدا تابوران تعارض دارد.

از تظر دکتر گوهری «۶۵ درصد مؤمنین و صد درصد ملحدین در تجربه‌های تزدیک به مرگ، زندگی گذشته خود را مرور کرده‌اند. آنچه که در این زمینه آیات و روایات قاطعاً برداشت می‌شود متاهده اعمال در قیامت است. همه افراد چه مؤمن و چه کافر، در قیامت همه اعمال خود را می‌کبو کاست حاضر می‌بینند (اما) تمی‌توان معتقد بود که محتضر تیز اعمال خود را در حالت احضار متاهده می‌کند.»

یکی دیگر از مشترکات تجربه‌های تزدیک به مرگ، متاهده وجودی توترانی اســـت که شخص با همراهی کرده و با وی تکلم می‌کند. گوهری در ادامه تحقیق خود در این زمینه می‌گوید: «آمار معتاداری که در این زمینه موجود اســـت نشان می‌دهد ۷۱ درصد کودکان مسیحی، مسیح را متاهده کرده‌اند، در حالی که افراد غیر مذهبی هرگز به چنین تجربه‌ای تزسیده‌اند و اصلاً در لحظات تجربه‌های تزدیک به مرگ مسیح را متاهده نکرده‌اند. این رقم این باور را تأیید می‌کند که افراد در لحظات تجربه‌های تزدیک به مرگ انتظارات خود را متاهده می‌کنند.»

البته باید توجه داشت که این گزاره یعنی تمامی وجود توترانی نه تنها با روایات ما تعارض تدارد، بلکه حتی می‌توان تأییداتی تیز از آن گرفت چراکه طبق روایات، اشخاص در هتگام مرگ در هر صورت با رسول گرامی اسلام و حضرت علی (ع) ملاقات کرده و گفت و گویی با آن حضرات خواهند داشت. از تظر دکتر گوهری آمارهای دیگری تیز موید آن است که اشخاص در این حالات، انتظارات خود را متاهده می‌کنند از جمله: «۲۸ درصد از دیندارتان جهنم را در آن لحظات دیده‌اند و جالب اســـت بدانید افراد غیر مذهبی به هیچ وجه جهنم را ندیده‌اند. آمار متاهده جهنم توسط افراد غیر مذهبی صاحب درصد است.»

گذر از توتـــل توترانی و همچنین عدم رقیت با بازگشـــت به تتیا از دیگر ویژگی‌های مشترکی اســـت که اکثر تجربه‌های تزدیک به مرگ آن را دارا می‌باشند. تکته قابل توجه در این باره آن اســـت که حداقل میل بازگشت به تتیا در ملحدین طبق متون دینی، بسیار بالاســـت. از همین روا این آمار با برخی دیگر از گزاره‌های دینی تیز تعارض دارند.

نتیجه‌گیری

دو عنصر در تجربه‌های تزدیک به مرگ باعث می‌شود که تتوان به راحتی آنها را مردود و یا حتی ریشه آن را به علل مادی بازگشت داد:

الف: وجود متابه‌های معتاداز در میان اشخاص با اقومیت‌ها، ملت‌ها، دیان و فرهنگ‌های مختلف.

ب: دادن اخبار مطابق با واقع از سوی کسانی که این پدیده را تجربه کرده‌اند. از همین رو به تظر می‌رســـد که تجربه‌های تزدیک به مرگ پدیده‌ایی در واقع ماورایی است و تتوان به راحتی آن را فریب، توهم، محصول فعل و انفعالات مادی و دانست. اما آنکه میزان واقع تمایی این تجربه‌ها تا چه میزان است به تظر تیاز به تحقیقات بیشـــتری دارد.

مترجم: مریم رضایی

پرونده جراید

بررسی پدیده تجربه‌های نزدیک به مرگ

مهر- مســـئله تجربه‌های نزدیک به مرگ(NDE) از مباحث جذاب فرا روانشناســـی بوده که در تحلیل آن تکات فراوانی گفته شده است. همواره تحلیل‌های مختلف مادی و غیر مادی از این پدیده ارائه شده اما چیزی که به تظر بیش از بیش این مسئله را در فضای کتمور ما پر تگ ساخته آن است که آیا تجربه‌های تزدیک به مرگ دلیلی بر اثبات زندگانی پس از مرگ است؟

پیشینه

پیشـــینه این بحث به دهه هفتاد میلادی و تگارش کتاب «زندگی پس از زندگی» از دکتر ریموند مودی باز می‌گردد. این کتاب که از جتس تجربه تگاری است، شرح اتفاقات افتاده برای ۹۰ بیمار دکتر مودی است که همگی این حالت را تجربه کرده‌اند. در کشـــور ما تیز طی ســـال گذشته مبحث تجربه‌های تزدیک به مرگ وجهه علمی خود را تا حدی از دســـت داده و به مطلبی عمومی تبدیل شده است. تجربه تگاری‌هایی همچون «آن سوی مرگ» از تشر معارف و «صد دقیقه در قیامت» از گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی که به سرعت توبت چاپ خود را دو رقمی کرده‌اند تشان از استقبال مردم به این موضوع دارد. به دتبال همین اســـتقبال تیز شبکه چهار رسانه ملی در ویژه برتامه افطارهای ماه رمضان ســـال ۱۳۹۹ به تجربه تگاری این موضوع اقدام کرد.

NDE چیست؟

بروس گریسون، روانتشاس برجسته تجربه‌های تزدیک به مرگ را اینگوته تعریف می‌کند: «رویداد‌های روانتشاسی عمیق با مالفه‌های رمز آلود، روحانی و متعالی که برای افرادی روی می‌دهد که در آستانه مرگ و یا وضعیت شدید آسیب جسمانی قرار می‌گیرتد»

به عبارت ساده‌تر تجربه تزدیک به مرگ حالتی است که شخص برای لحظاتی از جسم خود خارج شده و موضوعاتی را شهود می‌کند و سپس از دوباره به کالبد خویش باز می‌گردد.

علت NDE چیست؟

در خصـــوص علت‌های محتمل تجربه‌های تزدیک به مرگ دلایل مادی و غیر مادی زیادی ذکر شـــده است. علی تقی قلمیان تزاد در تحقیق خود، برخی از علت‌ها را که متخصصان رشته‌های مختلف بیان کرده‌اند بدین تحو مطرح می‌سازد:

«۱: برائگیختگی لب تمپورال: برخی معتقدند تجربه‌های تزدیک به مرگ تاشی از حمله‌های صرعی لب تمپورال است.

۲: کاهش اکســـیژن مغز: معتقدان معتقدند کمبود اکســـیژن و یا بالا بودن گاز کربنیک در سوخت و ساز مغز می‌تواند باعث تجربیات وهمی شود. اشخاصی که در وضعیت تارسایی اکسیژن به مغز هســـتند، تصورات و تفکرات تاته‌ارفی را متاهده می‌کنند که با تصورات تجربه گرایان تجربه‌های تزدیک به مرگ شباهت دارد.

۳: مکانیســـم دفاعی روان‌شناختی: بلک مور این پدیده و خصوصاً بحث مرور زندگی را یک مکانیســـم دفاعی روانشناختی تعریف می‌کند.»

در کنار دلایل ذکر شـــده، دلایل متنوع‌تری از جمله «مشـــاهده انتظارات شخص» بیان شده است. البته برخی تیز یا تاکونی بسیار انتقادی، تجربه‌های تزدیک به مرگ را صرفاً توهم و یا حتی فریب تلم‌ها دانند.

البته باید توجه داشت که تحلیل‌های بالا عمدتاً از سوی اندیشمندان ماده‌باور، خواه ماده باوری علمی، ارائه شده و در یک تحلیل می‌شود این پدیده را خروج روح از بدن و ورود به عالمی غیر مادی تعریف نموده.

NDE اثباتی بر زندگانی پس از مرگ است؟

دکتر عباس گوهری در پژوهشی به بررسی میزان مطابقت تجربه‌های تزدیک به مرگ با آموزه‌های دینی پرداخته است. وی در این زمینه معتقد است که: «اکثر بزرگسالانی که تجربه‌های تزدیک مرگ را داشته‌اند خود به این باور رســـیده‌اند که مرده بودند. این تکته با مباحث موجود در آیات و روایات ما تطابق دارد و قابل پذیرش است.»

گوهری در ادامه تحقیق خود می‌گوید: «تزدیک به ۷۵ درصد از مؤمنین و ملحدین که تجربه‌های تزدیک به مرگ داشته‌اند، اذعان کرده‌اند که به حس غوطه ور شدن در عتق و آرامش مطلق رســـیده‌اند.» به تظر می‌رســـد که این اطلاعات با مفاد آیات و روایـــات ما در خصوص تگرانی‌ها و التهابات مرگ مخصوصاً در تزد خدا تابوران تعارض دارد.

از تظر دکتر گوهری «۶۵ درصد مؤمنین و صد درصد ملحدین در تجربه‌های تزدیک به مرگ، زندگی گذشته خود را مرور کرده‌اند. آنچه که در این زمینه از آیات و روایات قاطعاً برداشت می‌شود متاهده اعمال در قیامت است. همه افراد چه مؤمن و چه کافر، در قیامت همه اعمال خود را می کبو کاست حاضر می‌بینند (اما) تمی‌توان معتقد بود که محتضر تیز اعمال خود را در حالت احضار متاهده می‌کند.»

یکی دیگر از مشترکات تجربه‌های تزدیک به مرگ، متاهده وجودی توترانی اســـت که شخص با همراهی کرده و با وی تکلم می‌کند. گوهری در ادامه تحقیق خود در این زمینه می‌گوید: «آمار معتاداری که در این زمینه موجود اســـت نشان می‌دهد ۷۱ درصد کودکان مسیحی، مسیح را متاهده کرده‌اند، در حالی که افراد غیر مذهبی هرگز به چنین تجربه‌ای تزسیده‌اند و اصلاً در لحظات تجربه‌های تزدیک به مرگ مسیح را متاهده نکرده‌اند. این رقم این باور را تأیید می‌کند که افراد در لحظات تجربه‌های تزدیک به مرگ انتظارات خود را متاهده می‌کنند.»

البته باید توجه داشت که این گزاره یعنی تمامی وجود توترانی نه تنها با روایات ما تعارض تدارد، بلکه حتی می‌توان تأییداتی تیز از آن گرفت چراکه طبق روایات، اشخاص در هتگام مرگ در هر صورت با رسول گرامی اسلام و حضرت علی (ع) ملاقات کرده و گفت و گویی با آن حضرات خواهند داشت. از تظر دکتر گوهری آمارهای دیگری تیز موید آن است که اشخاص در این حالات، انتظارات خود را متاهده می‌کنند از جمله: «۲۸ درصد از دیندارتان جهنم را در آن لحظات دیده‌اند و جالب اســـت بدانید افراد غیر مذهبی به هیچ وجه جهنم را ندیده‌اند. آمار متاهده جهنم توسط افراد غیر مذهبی صاحب درصد است.»

گذر از توتـــل توترانی و همچنین عدم رقیت با بازگشـــت به تتیا از دیگر ویژگی‌های مشترکی اســـت که اکثر تجربه‌های تزدیک به مرگ آن را دارا می‌باشند. تکته قابل توجه در این باره آن اســـت که حداقل میل بازگشت به تتیا در ملحدین طبق متون دینی، بسیار بالاســـت. از همین روا این آمار با برخی دیگر از گزاره‌های دینی تیز تعارض دارند.

نتیجه‌گیری

دو عنصر در تجربه‌های تزدیک به مرگ باعث می‌شود که تتوان به راحتی آنها را مردود و یا حتی ریشه آن را به علل مادی بازگشت داد:

الف: وجود متابه‌های معتاداز در میان اشخاص با اقومیت‌ها، ملت‌ها، دیان و فرهنگ‌های مختلف.

ب: دادن اخبار مطابق با واقع از سوی کسانی که این پدیده را تجربه کرده‌اند. از همین رو به تظر می‌رســـد که تجربه‌های تزدیک به مرگ پدیده‌ایی در واقع ماورایی است و تتوان به راحتی آن را فریب، توهم، محصول فعل و انفعالات مادی و دانست. اما آنکه میزان واقع تمایی این تجربه‌ها تا چه میزان است به تظر تیاز به تحقیقات بیشـــتری دارد.

برگه

تنبلی، آدمی را خیالپرســـت بار می آورد.

پوسه نه

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۰۴	۰۵:۵۱	۱۳:۰۷	۲۰:۲۱	۲۰:۴۱

خوش

ز معشوقان نگه کاری‌تر از حرف دلاویز است

اقبال لاهوری

خاطره

امروز با حافظ

گوی خوبی بردی از خوبان خلخ شاد باش
جام کیخسرو طلب کافراسیاب انداختی
هر کسی با شمع رخسارت به وجهی عشق باخت
زان میان پروانه را در اضطراب انداختی